

✓ خلاصه سخنرانی حجت الاسلام انجوی نژاد :

✓ دبستان شهدای رهیویان وصال

✓ جلسه اول

✓ تاریخ : ۹۶/۹/۲۶

خیلی از کارهای ما انسانها و حیوانات مثل هم است [ مثل خوردن و خوابیدن ] ، اگر یک نفر بیاد به شما توهین کنه ، شما ناراحت می شید ، ممکنه اشتهاتون کم بشه ، اما حیوانات فقط جسمند ، یعنی اگر ناراحت باشند یا خوشحال باشند براشون فرقی نمی کنه .

مثلاً اگر یک گاو اگر ناراحت بشه ، اشتهاش کم میشه ؟ اگر مشکل روحی داشته باشه ، خوابش نمی بره ؟ قرص خواب می خوره ؟ نه . شب شد گاو می خوابه ، صبح هم شد بیدار می شه . نمیگه من دیشب اعصابم خورد بود ، خوابم نبرد ، می خوام صبح بیشتر بخوابم .

مثلاً دیدید مرغها ، خروسها ، گاوها ، گوسفندها شب همشون با هم می خوابن ، صبح هم با هم بیدار می شن .

فرق انسان با بقیه موجودات اینه که انسان روحش قوی تر از جسمش هست ، یعنی یک آدم اگر همه ی زندگی جسمش باشه ، همون گاو خودمونه . « اَوَّلُ نَكَّ كَالْاَنْعَامِ بَلْ هُمْ اَضَلُّ » مثل چهارپایان هستند ، بلکه از آنها هم پایین تر .

موجودات عقلشون نمی کشه که این طوری نباید باشند . این نکته اول بود .

اما نکته ی دوم : مثلاً گاوها در سال ۲۰۱۷ چی می خوردند ؟ ۶۰۰۰ سال قبل چی می خوردند ؟ کجا می خوابیدند؟ چی می پوشیدند؟ همان چیزی که الان می خوردند ، همان جایی که الان می خوابیدند ، قبلاً هم همین طور بوده . مثلاً اینطوری نداریم که گاو بعد از ۶۰۰۰ سال علف و یونجه خوردن بگه این بی مزه است ، بهش سُس بزیند . نه ، گاوها هنوزم علف و یونجه می خوردند . آدمها چی ؟ الان کجا می خوابیدند ؟ چی می پوشیدند ؟

این مطلب این را می رساند که موجودات هر طور خلق شوند ، تا آخرش همان طور هستند ، اما آدمها هم روحشون و هم جسمشون تغییر می کنه . مثلاً قیافه ی آدمها صد سال پیش یک شکل دیگه بود ، صد سال دیگه هم یک شکل دیگه

است، ولی وقتی می‌رسیم به موجودات می‌بینیم اینها از نظر ظاهر زندگی هم هیچ فرقی نکردند.

ما انسانها روح داریم، یعنی حالی داریم که به جسممون اثر می‌گذاره، مثلاً ناراحت بشیم روی اشتهامون اثر می‌گذاره، ما خوشحال میشیم، غمگین می‌شیم، اما حیوانات نه خوشحال می‌شن، نه ناراحت. یونجه بریزن جلو گاو خوشحال نمیشه، سیر بشه هم دیگه نمی‌خوره. اما شما سیر سیر هم باشید، یک کیک کاکائویی بیارن بگذارن جلوی شما وسطش خامه باشه، توش هم بستنی باشه می‌خورید یا نه؟

یعنی ماها اشتهامون دست خودمونه، خوابمون دست خودمونه، ما همه چیزمون دست خودمونه، اما همه ی کارهای حیوانات غریزی است. غریزه هیچ آموزشی لازم نداره. بچه حیوانات که دنیا می‌آد، راه رفتن را خودش یاد می‌گیره اما بچه ی ما، راه رفتن را از پدر و مادرش یاد می‌گیره. بچه ی حیوانات همه ی کارهایش را خودش می‌کنه، نمی‌خواد بهش تذکر بدی، مثلاً الان ساعت ۱۰ شبه برو بخواب. هوا که تاریک شد، خودش می‌خوابه.

وقتی می‌خواهیم بریم سراغ خودشناسی، اول باید ببینیم فرق انسان با سایر موجودات چیه؟ چرا برخی انسانها زندگی شون مثل حیواناته؟ فقط و فقط به این فکر می‌کنند که چی بخوریم، چی بپوشیم، کجا بخوابیم، چه جوری بخندیم، چه جور گریه کنیم و... این مثل حیواناته. خنده، خوردن، خوابیدن، اینها مربوط به غریزه است. آنچه که ما لازم داریم و آنچه که باعث فرق ما با حیوانات میشه، مربوط به روحمون هست.

مثلاً حیوانات در یک سن و سالی همه مثل همدند، غریزه شون هم مثل همه. تجربه ای که گاو در یک سالگی داره، در ۴ سالگی فقط ۵ درجه اضافه شده، همین. اما شما می‌تونید بگی من می‌خوام تجربه ام را زیاد کنم و بری ۲۰ تا کار یاد بگیرم، اما گاوها نمی‌تونند. یعنی انسانها روحشون خیلی بزرگه که می‌تونند مثلاً ۱۰۰۰ تا یا یک میلیون گاو را سرپرستی کنه.

مثل داستانی که مولوی میگه در مورد شیر و انسان، قوی بودن به عقله، نه به زور بازو. ما آدمها عقل داریم و سایر حیوانات ندارند.

دلیل برتری انسانها بر بقیه موجودات اینه که تکیه می‌کنند به عقلشون و روحشون.

دلیل برتری انسانها بر بقیه موجودات اینه که تکیه می کنند به عقلشون و روحشون .

«تن آدمی شریف است ، به جان آدمیت ، نه همین لباس زیباست ، نشان آدمیت» آدمیت به اینکه چی پوشم و چی بخورم ، چند متر باشم ، بابام کی باشه ، مامانم کی باشه نیست ، انسانیت به عقل و روحه .

حالا در دنیا اصرار می کنند ، اگر می خواهی موفق باشی باید قوی باشی ، اما ما میگییم باید عاقل باشی.

حالا این عقل چه طور رشد می کنه . روشهش اینه :

۱. کسب علم

۲. ورزش

۳. عبادت

عقل چه جور می رشد می کنه ؟ روشهش اینه :

۱. با کسب علم و دانش : همین درسهاتون را بخونید ، به این عنوان که می خواد عقل و روح مرا بزرگ کنه ، نه فقط برای اینکه نمره تون خوب بشه . حالا شما درس بخونی ، نمره ات ۲۰ بشه ، این ۲۰ جسم هست ، به مامانتم هم نشون می دی می خنده ، این هم جسمه ، وقتی می گیم روح ، یعنی این درس فهم شما را زیاد کند ، باید درسهاتون را بفهمید ، درس به شما یاد می دهد که جهان را بشناسید ، ریاضی که می خونید جهان ریاضی را بشناسید ، علوم که می خونید جهان علم را بشناسید ، با فارسی جهان زبان و ادبیات را بشناسید .

بنابراین دانش آموزان موفق کسانی نیستند که با ادبیات آشنا شدند ، بگن کتابمون را می خونیم که ۲۰ بشیم ، برن سراغ ادبیات فارسی ، ۱۰ تا کتاب داستان می خونند ، ۶ تا کتاب شعر می خونند تا فهمشون بیشتر بشه . این روش اول افزایش عقل بود .

۲. ورزش . شنیدید که میگن عقل سالم در بدن سالم . یعنی اگر شما بدنت و سلولها با ورزش انس نداشته باشد ، تنبل میشی ، خمود میشی ، بعد چی میشه ؛ عقلت هم از کار می افته . وقتی شما ورزش می کنید ، تمام سلولهای بدنت قدرتش زیاد میشه ، یک بخش از سلولهای بدن هم سلولهای مغز هست .

برید ورزش کنید ، ورزش حرفه ای ، ورزشی که ضربان قلب را به اوج برساند و بعد آرام آرام برگرداند و ۱۵-۱۰ دقیقه در روز باشد .

۳. عبادت : شنیدید میگن با بزرگترها بشینی ، تجربه ات زیاد میشه ، وقتی انسان با خدا ارتباط برقرار می کنه ، عقلش زیادتر میشه ، چون هر چی انسان خدا را بیشتر می شناسد ، صفت های خدا را بیشتر می شناسد و هر چه صفت های خدا را بیشتر بشناسی ، عقلت می ره بالا و افزایش پیدا می کنه .

یک مثال براتون می زنم ، دلیل اینکه یک بچه ی کوچک اگر از بسته ی پفکش یک دونه برداری گریه می کنه ، اما اگر از بسته ی پفک شما یک دانه بردارند ، ناراحت نمی شید ، چرا ؟ یا مثلاً یک آدم عالم بزرگ ۶۰ ساله نمی تونه حتی یک ریال هم به کسی کمک کنه ؟ چون بخيله . چرا ؟ چون آدمها برخلاف موجودات ديگه وقتی سنشون و عقلشون بالا می ره ، حتی وقتی علمشون هم زیاد میشه ، ممکنه کوچک بشن . چرا ؟ - چون عبادت نکرده ، هی کوچک میشه . شما الان چون پاکيد ، به خدا نزدیک هستيد . مثلاً الان اگر به شما بگن کل سرمایه ی زندگی تون را ، مثلاً همه ی وسایل اتاقتون را قیمت بگذاری ، میشه یک میلیون . حالا یک دختر فقير را به شما نشان بدهند ، که داره از گرسنگی گریه می کنه ، یک دفعه ممکنه همه را به او بدهيد . چرا ؟ چون شما پاکتريد ، به خدا نزدیکتريد . اما اگر ستون بیشتر بشه ممکنه نصفشو بدید ، حالا اگر وضع خرابتر شده باشه ، از خدا دورتر شده باشید ، ممکنه بگید اصلاً به من چه . خدا مرا ثروتمند آفریده ، او را فقير . چیزی که این روزها بعضی ها میگن و اتفاقاً میگن به ما چه ، مشکل خودشونه . پس سومین راه شد عبادت ، یعنی نزدیک شدن به خدا .

یکی از راه های رشد عقل عبادته و عبادت یعنی نزدیک شدن به خدا .

عبادت یک صفتی داره که از هر علمی بالاتره . شما فرض کنید ، یک کتاب ۲۰۰ صفحه ای درس بدهند در مورد روش های بخشیدن مردم و رحمت ، یا اینکه با یک بزرگی بری ببینی داره می بخشه و کریمه . اثری که این دارد ، از علم کتابی خیلی بیشتره .

بنابراین وقتی دارید عبادت می کنید ، نماز می خونید ، برای بزرگتر شدن ، که بعداً یک عده نیابند [ شبهه براتون ایجاد کنند ] بگن مگر خدا به نماز ما احتیاج داره ؟ چرا نماز می خونید؟ و شما می دونید نماز می خونید که بزرگتر بشی . بعد میایم جلوتر ، حضور قلب در نماز آدم را بزرگ می کنه .

حضور قلب در نماز یعنی چی ؟

می خواهیم نماز بخونیم که بزرگ بشیم ، حالا برای نماز بعدی چی کار کنیم ، بزرگ بشیم ؟ فرض کنید برای نماز بعدی مثلاً ۷ ساعت مونده توی این ۷ ساعت دیگه مواظب زندگی تون باشید ، که چی گفتیم ، کجا خوشحال شدم ، کجا ناراحت شدم ، چی خوردم ، چی پوشیدم ، کجا رفتم و .. اینها را در نظر بگیرید، چک کنید که در این فاصله این کارهایی که انجام دادید ، چقدرش را خدا می پسندد ؟ بعد وقتی بسم الله الرحمن الرحیم گفتی ، اولین صفت خدا رحمان و رحیم است ، بعد چک می کنی من در این ۷ ساعت قبلی چقدر بخشنده بودم ، مثلاً برای یک نماز این را چک کن ، کجا می تونستی ببخشی و نبخشیدی یا عصبانی شدی و داد زدی و ..

حالا مثلاً ۱۰ ساعت تا نماز بعدی فرصت داریم ، دوباره شروع کنیم به تمرین که برای نماز که گفتی بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ توی دلت به خدا بگی من این کارها را انجام دادم .

بعد می ریم سراغ قسمت دوم ، می خواهیم روی اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ کار کنیم ، شُکْر یعنی چی ؟ یعنی اگر یک نعمتی به من رسید ، بدانم از طرف خداست ، اگر سالمم بدانم از خداست و .. دوباره می آییم سراغ اَلرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ، چرا دوباره گفته ، چون رحمان و رحیم در نمازت از همش مهمتره ، پس دوباره چک می کنیم .

برای حضور قلب اول باید معنی نماز را بدانید ، بعد معنی نماز را بیارید در زندگی تون و چک کنید ، بعد با این طوری نماز خواندن یک درجه بزرگتر می شوید . بزرگتر شدن شما به بزرگی سن و سالتون نیست ، به بیشتر شدن علم شما نیست ، بزرگتر شدن انسانها به معنی بزرگ شدن در مسیر بزرگی خداست . خدا چیه ؟ قیافه اش قشنگه ؟ صدایش خوبه ؟ دست داره ؟ پا داره ؟ نه . خدا الرحمن الرحیمه ، مالک یوم الدین هست ، شایسته ی پرستش هست و ..

بزرگتر شدن ما انسانها این است که صفات خدا در ما رشد کند . صفات خدا را که بشناسی ، خدا را شناختی .